



بازنگری در دین تاریخی

گفت‌وگو با: مصطفی ملکیان

اعتماد ملی، ش ۴، ۸۴/۱۱/۳



چکیده: آقای ملکیان در این گفت‌وگو ابتدا سه تعریف از جهانی‌شدن ارائه می‌دهد و دو تعریف آن را با دین مرتبط می‌داند. سپس گذری به جمع میان عقلانیت و معنویت می‌کند و در انتها درباره دین تاریخی و لزوم تصفیه آن سخن می‌گوید.

○ چند سالی است که پدیده «جهانی‌شدن» در ادبیات سیاسی کشورها از اقبال زیادی برخوردار بوده است. تعریف شما از «جهانی‌شدن» چیست؟

● جهانی‌شدن لفظی است که هم در قلمرو فلسفه و هم در قلمرو اجتماعی به سه معنای مختلف استعمال می‌شود و ما وقتی می‌خواهیم یک پدیده را با جهانی‌شدن بسنجیم، باید این سه معنا را از هم تفکیک کنیم.

یک معنای جهانی‌شدن این است که، اکنون به واسطه کثرت و گسترش وسایل ارتباط جمعی، وضعی در جهان پیش آمده است که این وضع قبلاً سابقه نداشت و آن این است که اولاً هر حادثه‌ای در گوشه‌ای از جهان رخ بدهد، به سریع‌ترین صورت ممکن همه مردم جهان از حدوث آن حادثه باخبر می‌شوند و ثانیاً هر حادثه‌ای در هر گوشه‌ای رخ بدهد، بر سیر حوادث همه نقاط دیگر جهان اثر می‌گذارد. به عنوان مثال، ورشکستگی یک شرکت در مالزی ممکن است حتی بر سیاست کشوری در آمریکای لاتین اثر بگذارد.

این معنا از جهانی شدن، نه نفیاً و نه اثباتاً، ربط و نسبتی با دین ندارد، اما جهانی شدن یک معنای دیگر هم دارد و آن این که کسانی معتقدند امروزه جامعه‌ای نمی‌تواند بگوید من می‌خواهم بر اساس معیارهای ارزشی و تفکیکی خودم زندگی کنم. برخی نیز بر این اعتقادند که جهان آهسته آهسته به سویی می‌رود که هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند بر اساس ارزش‌ها و معیارهای ملی، قومی و دینی و مذهبی خودش زندگی کند، بلکه باید یک سلسله ارزش‌ها و معیارهای جهانی را تدوین کرد و از همه مردم جهان خواست که بر اساس این معیارها و ارزش‌ها زندگی کنند.

اعلامیه جهانی حقوق بشر که در سال ۱۹۴۸ م به تصویب رسید، نخستین گام برای این کار بود. آهسته آهسته باید حقوق و اخلاق جهانی را پذیرفت و حتی بالاتر از آن، کسانی گفته‌اند که نرم نرمک آداب و رسوم هم نباید محلی و قومی باشد، بلکه باید جهانی شود. این معنای دوم جهانی شدن، برخلاف معنای نخست که الان وقوع پیدا کرده، هنوز وقوع تام و تمام پیدا نکرده است، بلکه یک فرآیند است که چه بسا طرفدارانش بتوانند محقق بکنند یا نکنند.

این معنای دوم با دین ربط و نسبت دارد. پیروان هر دینی باید ببینند که آیا دین‌شان این روند و فرآیند را می‌پذیرد یا نمی‌پذیرد و به چه دلیلی نمی‌پذیرد. اما جهانی شدن در حال حاضر، یک معنای سومی را دارد پیدا می‌کند و آن این است که، ارزش و معیارهای یک جامعه نباید تنها و فقط در اختصاص آن جامعه و کشور باشد. یعنی چنان که کشورهای جهان باید به اقتصاد و سیاست جهانی تن بسپارند و دیگر آهسته آهسته مرزها از بین می‌رود. دیگر باید در پی تدوین یک اقتصاد جهانی بود که به نفع همه مردم جهان است و نه فقط به نفع مردم یک کشور خاص و به همین ترتیب، سیاست باید سیاستی باشد برای تدبیر کل مردم کره زمین و... یعنی سیاست‌های ملی و اقتصادهای ملی باید به یک سیاست و اقتصاد بین‌المللی تن دهند. به این دلیل که اگر کشورها اقتصاد ملی و منافع ملی داشته باشند، این اقتصاد و سیاست ملی، کشورها را به ستیز با هم و می‌دارد و از آنجا که اسباب انهدام کشورها پیشرفت کرده است، اگر تنازع دیگری رخ بدهد، کل جهان رو به نابودی خواهد گذاشت. سه معنای جهانی شدن است که دین مشخصاً با دو معنای دوم و سوم کنکاش خواهد داشت.

○ از جمله دغدغه‌های شما جمع میان عقلانیت و معنویت است آیا واقعاً آهنگ امر به سویی است که این دو با هم جمع شوند یا نه؟

● واقفش این است که پیش‌بینی آینده در دست هیچ انسانی نیست، من هم فقط حدسی را که دربارهٔ آینده می‌زنم، بیان می‌کنم. این حرف البته هیچ محمل علمی دقیق ندارد. اگر به حدس اکتفا کنیم، من واقعاً حدسم این است که بشر به سوی عقلانیت بیشتر و معنویت دارد پیش می‌رود و به این لحاظ می‌توانم بگویم که من به آینده خوشبینم و معتقدم با علانم و قرائنی که دارد پدید می‌آید، آشکار و واضح است که طلایه‌ها و پیش‌درآمدهایی از این مسئله را آدمی می‌تواند در جامعه جهانی ببیند؛ چرا که برخلاف قرن‌های ۱۸ و علی‌الخصوص قرن ۱۹ که دین بالمرة داشت از صحنه بیرون می‌رفت، الآن بارقه‌های جدیدی را داریم می‌بینیم که در سرتاسر جهان پیداست و نشان می‌دهد که بشر به معنویت و عقلانیت دارد گرایش پیدا می‌کند.

وقتی می‌گوییم بشر به سوی معنویت بیشتر می‌رود، معنایش این است که دارد به طرف گوهر ادیان جلو می‌رود، اما رفتن به سوی گوهر ادیان، ممکن است بعضی از ظواهر دینی و پوسته‌های دینی را از بین ببرد. شما این دغدغه گوهر داشتن را می‌توانید در کلام پیامبر اکرم ﷺ هم ببینید، وقتی که فرمودند «انما بعثت لاتمم مکارم الاخلاق» (همانا که من برای تکمیل مکارم اخلاق آمده‌ام). مخصوصاً با آن تعبیر «انما» که نشان می‌دهد من «فقط» برای این آمدم و این به نظرم بسیار تفاوت دارد، با این که شما حروف دال یا ذال نمازتان را درست تلفظ کردید یا نکردید. باید از وضع (آینده) جهان شاد شد، چرا که می‌بینید جهان دارد به سوی اخلاق می‌رود، اما اگر واقعاً خیلی حساس باشید، نسبت به این ظواهر، البته شکی نیست که این ظواهر دارد کمرنگ می‌شود.

به یک بازاندیشی دینی نیاز است و در این بازاندیشی بعضی از عناصر و مؤلفه‌های دین که قبلاً مورد غفلت واقع می‌شد، آنها باید بزرگ شود و مورد تأکید قرار بگیرند.

○ آن عناصر و مؤلفه‌ها چیست؟

● خودشیفتگی دینی ای که علی‌الخصوص در قدیم وجود داشت، باید از میان برود. یعنی این قدر خودشیفتگی داشتند که مثلاً شیعه ناسزایش به دیگری سنی بودن بود و یا مسلمان ناسزایش این بود که تو یهودی یا جهودی.

پیشداوری نسبت به دیگران، جزمیت، تعصب و خرافه‌پرستی باید از بین برود و نسبت به دیگران باید نوعی تسامح و مدارا پیشه کنیم. همچنین این که خود را مالک حقیقت بدانیم، باید از بین برود، بلکه باید خود را طالب حقیقت بدانیم، نه مالک حقیقت. لذا ما باید به احسان

بیشتر، تواضع بیشتر و صداقت بیشتر رو بیاوریم و قبول کنیم که در دل مقدس همه ادیان یک سری حقایق وجود دارد و بفهمیم که نه ما حق مطلق ایم و نه مخالفان ما باطل مطلق. هم ما حقیق آمیخته با باطل و هم آنها حق اند و آمیخته با باطل. فقط یکی ۸۰ درصد حق است، ۲۰ درصد باطل و دیگری ۵۰ درصد حق است و ۵۰ درصد باطل. همه ما یک نوع آمیخته‌هایی از حق و باطل هستیم و گاهی از دین تفسیری به دست داده می‌شود که حقوق بشر در آن ممکن است مردود باشد.

○ این استنباط از سخنان شما به دست می‌آید که ما در فرآیند جهانی شدن، وقتی می‌توانیم سهمی داشته باشیم که نگاهمان به دین، نوعی نگاه وجودی باشد، یعنی نگاهی که نسبت انسان را با حقیقت وجود روشن کند، به همین سبب شما بر معنویت تکیه می‌کنید و آن جنبه از دین را به عنوان گوهر ادیان مطرح می‌کنید که تاریخی نیست؟

● بله، تاریخی نیست. دین تاریخی واقعاً نه به لحاظ مصلحت‌اندیشانه و نه به لحاظ حق‌طلبانه مورد دفاع نیست. به لحاظ مصلحت‌اندیشانه مورد دفاع نیست، یعنی اگر شما بخواهید بر این دین تکیه کنید، در روند جهانی عقب می‌مانید و عقب ماندن از روند جهانی یعنی از میان رفتن، اما حق‌طلبانه هم نیست، یعنی حتی اگر روند جهانی هم وجود نداشت، نمی‌توانستیم به دین تاریخی تکیه کنیم. اصولاً دین تاریخی با تعابیر بنیان‌گذاران ادیان و مذاهب سازگاری ندارد. مرحوم مطهری نیز در کتاب «اسلام و مقتضیات زمان» مثالی می‌زند و می‌گوید: دین در اصل چشمه زلال پاک خنک خالصی است، اما وقتی راه می‌افتد در جوی زمان، سه کیلومتر آن طرف‌تر می‌رود، با این که آب از همان سرچشمه است، ولی در اینجا این آب، نه به آن زلالی است و نه به آن خنکی و نه به آن خالصی. هم گرم‌تر شده و هم خس و خاشاک پیدا کرده و هم زلال بودن را از دست داده است. بعد ایشان می‌گویند که ما همیشه به کسانی نیاز داریم که بیایند یک تصفیه‌خانه‌ای بگذارند تا ما آب را از همان سرچشمه، ولی با تصفیه بنوشیم.

○ شما مسئولیت این تصفیه را بر دوش روشن‌فکران دینی می‌گذارید یا نه، به غیر از آنها هم نظر دارید؟

● من به دوش هیچ قشر خاصی نمی‌گذارم. به دوش کسانی است که حق‌طلب در مقام نظر باشند، و هم عدالت‌طلب باشند، در مقام عمل و هم جهان‌کنونی را حال روحانی باشند و یا روشن‌فکر خوب بشناسند. پزشک به این دلیل تابع حرف‌های مریض نمی‌شود که بدن را

خوب می‌شناسد. اگر پزشک از پزشکی چیزی سرش نمی‌شد، هر چه مریض می‌گفت، می‌پذیرفت و می‌گفت درست است. ما اگر بدن زمان را بشناسیم، تابع حرف آن نمی‌شویم، ولی وقتی نمی‌شناسیم هر چه زمانه بگوید، قبول می‌کنیم و من معتقدم که هم آنهایی که مخالفت نابه‌جا با زمانه می‌کنند و هم آنهایی که موافقت نابه‌جا، نوعی مدپرستی فکری دارند، مثل مدی که درباره لباس دارند، در فکرشان هم مدپرستند.

● اشاره

۱. بازشناسی سه تعریف از جهانی‌شدن از امتیازات این گفت‌وگوست. توجه به تفکیک میان این سه تعریف از بسیاری مغالطات جلوگیری می‌کند. البته تعریف سوم در بیان جناب ملکیان به خوبی از تعریف دوم متمایز نگاشته و خواننده خود باید با توجه به مثال‌های زده شده، آن را بازسازی کند. در تعریف دوم سخن بر سر معیارها و ارزش‌های قومی، ملی و مذهبی بود. در تعریف سوم نیز از ارزش‌ها و معیارهای یک جامعه سخن به میان آمده است. تفاوت این دو دسته ارزش‌ها چندان روشن نیست. البته چنان که از ادامه سخن معلوم می‌شود، گویا نظر آقای ملکیان در تعریف سوم به روش‌ها بوده است. روش‌هایی که به وسیله آنها جوامع اداره می‌شوند رو به جهانی‌شدن گذاشته‌اند. یعنی روش‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جوامع، دیگر نمی‌توانند همچون گذشته از یکدیگر متمایز بمانند و رو به سوی وحدت دارند.

۲. آقای ملکیان در بحث از معنویت و عقلانیت معتقدند که، جهان رو به سوی معنویت بیشتر دارد، اما این بدان معناست که از پوسته و ظاهر دین دور می‌شود و به گوهر آن، یعنی اخلاق نزدیک‌تر می‌گردد. یک پیش‌فرض اثبات نشده در کلام ایشان وجود دارد و آن اینکه، جمع میان پوسته و مغز امکان‌پذیر نیست. گویا هر کس بخواهد به مغز دین، به گوهر آن، یعنی اخلاق و معنویت برسد، باید از پوسته آن دست بردارد و آن را به کناری ببنهد. این تفکری است که البته در طول تاریخ بی‌سابقه نیست و صوفیان نیز همواره بر آن تأکید ورزیده‌اند. اما جای این سؤال باقی است که مگر نمی‌توان هم کاملاً معنوی و اخلاقی بود و هم به ظواهر دین توجه داشت. آیا پیامبران معنوی‌ترین مردمان روزگاران نبوده‌اند؟ آیا همین پیامبران خود بهترین رعایت‌کنندگان ظواهر دین نبوده‌اند؟ از آنان که بگذریم، بسیاری اولیای خدا در همه تاریخ وجود داشته‌اند که هر دو وجه را با هم جمع کرده‌اند. امام خمینی^ع یک نمونه امروزی آن است تا به ما نشان دهد که می‌توان هم عالم دین بود، هم عارف بالله بود، هم اهل رعایت دقیق ظواهر دین و هم اهل سیاست و جنگ و کشورداری. البته بدیهی است که وزن ظاهر و پوسته دین با باطن و مغز آن یکسان نیست. میزان تأکیدی که این بزرگان بر مسائل اخلاقی و باطن دین داشته‌اند بیشتر است و نباید پوسته را

اصل قرار داد. برخی مبلغان دینی، در طول تاریخ، جای تأکید را کم کرده‌اند و پوستین را وارونه پوشیده‌اند. اما از آن سو نیز عده‌ای به افراط گراییده‌اند و به گمان گرفتن مغز و باطن دین، ظواهر را به کلی بر طاقچه نهاده‌اند و بر آن چهار (پنج) تکبیر زده‌اند. این هر دو افراط و تفریط به یکسان بر دین و معنویت ضربه می‌زنند.

۳. سخنان آقای ملکیان در لزوم بازنگری در عناصر و مؤلفه‌های دینی و کنار گذاشتن جزم و جمود و خرافه‌پرستی و پیشداوری نسبت به دیگران و خودشیفتگی همه درست و ضروری است. همچنین این‌که هیچ یک از پیروان ادیان نباید خود را واجد همه حقیقت بدانند و دیگران را فاقد آن، نیز سخنی درست است. اما، همان‌طور که خود آقای ملکیان گفته‌اند، برخی ۸۰ درصد حقیقت را دارند و برخی ۵۰ درصد آن، نباید به بهانه این‌که ما واجد همه حقیقت نیستیم، برای یافتن ۲۰ درصد بقیه، همان ۸۰ درصد خود را از دست بدهیم.

دیگر این‌که باید توجه داشته باشیم که به بهانه پرهیز از خودشیفتگی، نباید فراموش کنیم که ما مسلمانان تنها کلام الهی را در اختیار داریم و هیچ یک از ملل و نحل دیگر، واجد چنین دُرّ گران‌بهایی نیستند، و ادعای آن‌را نیز ندارند. کتاب‌های آسمانی دیگر، حداکثر، نوشته‌هایی برگرفته از گفتار و آداب و سنن پیامبرانند، یا مکتوبات خود آنان‌اند، نه بیشتر. هیچ کدام از آنها، الفاظ وحی شده از سوی خداوند متعال نیستند. همچنین، نباید فراموش کنیم که هیچ یک از کتب آسمانی دیگر، سندیت تاریخی لازم را ندارند، اما قرآن کریم با اسناد محکم و متواتر تاریخی به ما رسیده است. همین‌طور بسیاری امتیازات دیگر، که به‌طور طبیعی در دین خاتم وجود دارد که در ادیان پیشین نمی‌تواند وجود داشته باشد.

بنابراین، باید ضمن پرهیز از خودشیفتگی و تعصب و جزم و جمود و خرافه، مراقب باشیم که امتیازات موجود در دین اسلام را از دست ندهیم. گاه به بهانه جهانی شدن، گاه به هوای رسیدن به معنویت مشترک، گاه به اسم‌های دیگر، چنان نباید که از اسلام مانده و از معنویت رانده شویم. البته باید کوشید که در حد امکان از جنبه‌های مشترک اسلام با سایر ادیان استفاده کرد، چنان‌که سیره پیامبر و دعوت قرآن نیز همین بوده است که: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلا نُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا وَلا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ»؛ بگو: «ای اهل کتاب بیایید بر سر سخنی که میان ما و شما یکسان است بایستیم که جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او نگردانیم، و بعضی از ما بعضی دیگر را به جای خدا خدایی نگیرد.» پس اگر اعراض کردند بگویید: شاهد باشید که ما مسلمانیم»^۱.

قرآن کریم برای وحدت عمل جهانی، محوری واحد ارائه می‌دهد و آن پرستش خدای

متعال است. اگر بتوان چنین محوری را در جهانی شدن پیدا کرد مطلوب است، وگرنه باید گفت که ما بر اسلام خود می مانیم و از آن عدول نمی کنیم. اگر قرار باشد در فرآیند جهانی شدن، ارزش های اسلامی و الهی خود را از دست بدهیم، نه تنها مصلحتی در پیوستن به چنین فرایندی نیست، که باید با آن مبارزه کرد. در همین راستا باید متوجه بود که، این وحدت عمل جهانی به ارباب شدن گروهی و مرئوب شدن گروهی دیگر نینجامد. در حال حاضر، سیطره قدرت استکباری به گونه ای است که رابطه اربابی و مرئوبی را طلب می کند و این غیر از آن چیزی است که قرآن بدان می خواند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی